

كتاب ماهور

مجمو عه مقالات موسقى

حله ۱



نویسندهان:
حسین دعلوی
مصطفیی، بودنیاب
دکتر ساسان پستا
علی محمد رشیدی
کامبوز دوشنیزدان
سید علیرضا
محمد رضا خوشی
خکرو جعفرزاده



موسسه فرهنگی ماهور

تهران، خیابان حقوقی، شماره ۱۱۰، طبقه دوم

کتاب ماهور
مجموعه مقالات موسیقی جلد اول
چاپ اول: تابستان ۱۳۷۰
حروفچینی: تهران نوشتار
لیتوگرافی: پیچاز
چاپ افست: واژه
تیراز: ۵۰۰۰ نسخه

حقوق چاپ و نشر محفوظ است

فهرست مقالات

صفحه	نویسنده	عنوان
۵		۱- سخنی با خوانندگان
۷		۲- بررسی دوره کارشناسی موسیقی دانشگاه
۱۵	حسین دهلوی	۳- بحرانی فزون ترا!
۲۳	مصطفی کمال پورتاب	۴- فاصله های گوناگون در سیستمهای مختلف موسیقی
۳۱	علی محمد رشیدی	۵- ترانه سرایی در ایران
۳۹	دکتر ساسان سپتا	۶- نغمه های دادی، تحلیلی از سبک و آثار مرتضی نی داد
۴۷	کامبیز روشن روان	۷- بررسی وضعیت فعلی موسیقی در ایران و ارائه چند پیشنهاد
۷۵	محمد رضا درویشی	۸- موسیقی تعزیه
۹۹	دکتر ساسان سپتا	۹- آثاری از حسین دهلوی ۱، جلوه هایی از موسیقی ملی به شیوه سنجدیده با سازهای سنتی و ارکستر
۱۰۵	حسرو جعفرزاده	۱۰- بررسی و نقد کتاب «هفت دستگاه موسیقی ایرانی» نوشته مجید کیانی
۱۲۵	علی محمد رشیدی	۱۱- آموزش ساز قانون
۱۲۷	ر. عام	۱۲- دو دو تا پنج نا؟؟؟ = ۵ × ۲

بررسی دوره کارشناسی موسیقی دانشگاه

شورایعالی برنامهریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در جلسه یکصد و بیست و نهم خود به تاریخ ۱۸/۴/۶۷، برنامه دوره کارشناسی (لیسانس) موسیقی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی را تصویب کرده است. با توجه به مشخصات کلی و ریز دروس دوره کارشناسی موسیقی چنین به نظر می‌رسد که کمیته موسیقی گروه هنر شورایعالی برنامهریزی و یا خط دهنده اصلی گروه، نیازی ندیده است که برنامه‌های موسیقی دوره عالی کنسرواتوارها، آکادمیها، دانشگاهها و هنرستانهای موسیقی ایران و جهان را تحت بررسی و مطالعه قرار دهد و در نتیجه تجربه‌های چند قرن آموزش موسیقی در دنیا و بیش از نیم قرن آموزش علمی موسیقی در ایران را نادیده گرفته است. تجربه‌هایی که حاصل آن، تاریخ موسیقی چند قرن اخیر است که در لابلای صفحات آن، شرح زندگی و کار و آثار صدھا آهنگساز، نوازنده و موسیقی‌شناس دیده می‌شود.

نویسنده مقدمه برنامه آموزش دوره کارشناسی موسیقی از نعمت بزرگ شنیدن سخن می‌گوید و همچنین از دو نعمت دیگر: «چشم» و «دل» سخن به میان می‌آورد. (صفحه ۳). دل ممکن است در سیر و سلوك مراحل صوفیانه به کار آید. ولی نمی‌تواند جایگزین عقل و تجربه گردد. با توجه به نکات فوق، بررسی چند و چون برنامه آموزش موسیقی دوره کارشناسی می‌تواند در بازنگری آن مفید واقع شود و کمبودها و کاستی‌ها و در اکثر موارد زیادیهای آنرا برطرف سازد:

دروس دورهٔ کارشناسی موسیقی

طول زمان دورهٔ کارشناسی موسیقی دانشگاه، چهار و نیم سال تحصیلی یا ۹ نیمسال ۱۷ هفته‌ای و کلاً یکصد و پنجاه و سه هفته است و شامل ۱۴۶ واحد می‌باشد: دروس عمومی و دروس پایه (۳۳ واحد)، دروس اصلی (۶۹ واحد)، دروس تخصصی (۳۸ واحد) و دروس اختیاری (۶ واحد).

فرهنگ و معارف اسلامی، زبان خارجی، فارسی، اخلاق و تربیت اسلامی، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن از قرن سیزدهم، متون اسلامی و «زیست‌شناسی» جزو دروس عمومی است که برای کلیه رشته‌های تحصیلی دوره‌های کارشناسی پیوسته الزامی است. (۲۳ واحد).

دروس پایه شامل مبانی ریاضی، مبانی فیزیک، آشنایی با علوم، آشنایی با متون ادبی ایران و هنر و تمدن اسلامی است. (۱۰ واحد).

رشته کارشناسی موسیقی ۲۱ درس اصلی و دور دروس تخصصی دارد که دروس اصلی در برگیرندهٔ دیکته موسیقی، مبانی نظری موسیقی کلاسیک وزن در موسیقی ایران، موسیقیدانان قدیم ایران، سازشناسی، تاریخ موسیقی یونان و قرون وسطی، هارمونی (۱)، تاریخ موسیقی از باروک تا امروز، انسان، طبیعت و موسیقی، موسیقی متن، کنترپوان (۱)، اصول آهنگسازی، گروه نوازی (۲)، آشنایی با رسالات کهن موسیقی ایران و دروس تخصصی مربوط به ردیف موسیقی سنتی (نوازندگی) و پایان نامه است. (۱۰۷ واحد). هارمونی (۲)، کنترپوان (۲)، کارگاه عکاسی پایه، هنر و تمدن اسلامی (۲)، حکمت هنر اسلامی، آشنایی با رشته‌های هنری معاصر، ساز اختصاصی و فرم و آنالیز جزو دروس اختیاری است.

وسائل و هدفها

به طوری که از مقدمهٔ نسخهٔ اصلی برنامهٔ موسیقی دانشگاه بر می‌آید؛ هدف از تشکیل دورهٔ کارشناسی موسیقی، پرورش موسیقیدان در تمام زمینه‌های است. دانشجو پس از چهارسال و نیم تحصیل موفق به اخذ مدرک کارشناسی یا لیسانس موسیقی می‌شود و باید: اصول آهنگسازی را بداند، نوازندهٔ یک ساز باشد، با رهبری ارکستر آشنا باشد، پژوهشگر مسائل موسیقی باشد و خلاصه: «... در چهارچوب مراکز و واحدهای دولتی و

بررسی دوره کارشناسی ... ۹

با به صورت خصوصی در زمینه تحقیقات موسیقی به عنوان عضوی از جلوه‌های فرهنگی و تاریخی به مطالعه و تحقیق پرداخته و یا نسبت به آموزش، تدوین و تنظیم و اجرا و یا هدایت اجرای قطعات به صورت مستقل و یا هماهنگ با دیگر فعالیتهای هنری، فرهنگی و تبلیغی و رفع نیازمندیهای آنان اقدام نماید. (صفحه ۶).

علی‌الاصول در زمینه مطالب ذکر شده باید گفت که هر یک از تخصصهای فوق از قبیل نوازنده‌گی، آهنگسازی و رهبری و... نیاز به دوره‌های تحصیلی جداگانه دارد و با توجه به تجربه‌های دنیای موسیقی علمی، زیربنای یادگیری باید از کودکی و از مقطع تحصیلی دبستان آغاز شود. دانشجوی پذیرفته شده سال اول رشته کارشناسی موسیقی دانشگاه باید دروس سلفز، تئوری موسیقی، هارمونی و نوازنده‌گی یک ساز را فرا گرفته باشد تا بتواند به عنوان دانشجوی رشته کارشناسی موسیقی پذیرفته شود و در دوره کارشناسی نیز باید تخصصهای مختلف با برنامه‌ریزی جداگانه ایجاد گردد؛ نه آنکه دانشجو بدون فراگرفتن حداقل دانش موسیقی در دوره کارشناسی پذیرفته شود و بعد از چهار سال و نیم، همه کاره و هیچکاره از آب درآید. برای هر هدف مشخص، برنامه مشخص، وسائل مشخص و زمان مشخص مورد نیاز است.

درس پایه یا سلفز

مهمنترین رکن و عامل در آموزش موسیقی سلفز یا سرایش است. سلفز اساس آموزش موسیقی به شمار می‌رود. سلفز پایه‌ای است برای تربیت گوش و پرورش حس رسم، و خواندن یک قطعه موسیقی و یا یک متن آوازی. به علاوه شناخت تئوری مقدماتی و تکمیلی موسیقی که شامل تمام قواعد و علاماتی است که در طی قرون و اعصار به وجود آمده است. فراگیری سلفز برای تمام موسیقیدانان، واجب عینی است و براساس آن شناخت فرم و محتوای موسیقی میسر می‌شود. بدون فراگیری سلفز هیچکس نمی‌تواند مدعی باشد که موسیقیدان است. اما در دوره کارشناسی موسیقی دانشگاه، در دروس اصلی رشته، بدون ذکر واژه سلفز، از دو درس دیکته موسیقی (یک ترم) و مبانی نظری موسیقی کلاسیک (دو ترم) نام برده شده است. شاید بتوان در دو ترم تحصیلی. تئوری مقدماتی موسیقی یا بخش نظری سلفز را آموخت؛ ولی بخش عملی سلفز که شامل نت‌خوانی و دیکته موسیقی است، با توجه به آموزش منظم آن در هنرستانهای موسیقی حداقل نیاز به ده ترم تحصیلی دارد. جالب آنکه در صفحه ۲۶ چنین آمده که

۱۰ / کتاب ماهور

آزمون این درس کتبی خواهد بود. در صورتی که سرایش و تلفظ نتها به شکل آوازی اساس درس سلفز است.

موسیقی سنتی: هدف اصلی

با مطالعه مشخصات کلی و سر فصل دروس دوره کارشناسی موسیقی می‌توان چنین برداشت کرد که هدف اصلی و بنیادین این برنامه، آموزش موسیقی به سبک سنتی و روش سینه به سینه است. در صفحه ۷۰، درباره هدف تدریس ردیف موسیقی ایرانی چنین آمده است: «... باید در آموزش ردیف دو نکته زیر رعایت شود تا رابطه نسل آینده با فرهنگ پربار گذشته قطع نشود... این دو نکته عبارت است از: اهمیت دادن به محفوظات موسیقی سنتی و تکیه بر قدرت اجرائی». و بعد: «آموزش ردیف با استفاده از سازهای سنتی ایرانی از قبیل (سه تار، تار، ستور) خواهد بود».

حال که هدف، پرورش موسیقیدان سنتی و بیشتر روش سینه به سینه مدنظر است و سازهایی که باید آموزش داده شود، سازهای سنتی است، چه اصراری است که دروس مقدمات و مبانی نظری موسیقی کلاسیک و هارمونی و کنترپوان و فرم و آنالیز و تاریخ موسیقی غرب از دوره باروک تا امروز به صورت تجربی و بدون هیچگونه ارتباط و استفاده از موسیقی کلاسیک غرب در برنامه درسی گنجانیده شود. اگر فقط سازهای سنتی آموزش داده می‌شود، دیگر آموزش نظری!! سازهایی مانند فلوت، کلارینت، کرآنگله، فاگوت، ابوا، بوگل، ساکسهورن، پیانو، کلاوسن، ویولون، کنتربری، هارپ و... بدون هیچگونه امکانات عملی به چه کار می‌آید؟!

برنامه دوره کارشناسی موسیقی دانشگاه یک برنامه (اگر نگوئیم واپس گرایی)، سنت گرایست و فقط خواسته‌اند با واژگان و مفاهیم موسیقی علمی، رنگ و لعاب ترقیخواهانه به آن بزنند. اگر واقعاً نیاز به کاربرد موسیقی علمی احساس می‌شود، تلبیار کردن انواع و اقسام مواد درسی بدون یک نظام علمی و عملی منسجم، نمی‌تواند این نیاز را برآورده سازد. اگر نظر دهنده‌اند اصلی برنامه موسیقی دانشگاه، اساسنامه و آیین نامه هنرستان‌های عالی موسیقی را بررسی و مطالعه می‌کردند، می‌توانستند (با درنظر گرفتن اوضاع موجود) برنامه‌ای جامع و علمی را که حاصل تجربیات چند دهه بوده تنظیم کنند و آنرا به شورای عالی برنامه‌ریزی ارائه نمایند. بدون تردید اکثر قریب به اتفاق موسیقیدانانی که امروزه در یکی از رشته‌های موسیقی سنتی،

بررسی دوره کارشناسی . . . ۱۱ /

و ملی ایران از قبیل نوازنده‌گی، آهنگسازی، آموزش، رهبری ارکستر و... کار و فعالیت می‌کنند، پرورش یافته هنرستانهای موسیقی اند.

بی‌اعتنایی به تجربیات گذشتگان و تنها تکیه به تجربه و دانش اندک خود را جز کوتاه‌اندیشی به مفهوم دیگری نمی‌توان تعبیر کرد و به قول شاعر:

هر که ناموخت از گذشت روزگار هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار

ناسباسی به موسیقیدانان پیشرو

تنظيم کنندگان و نویسندهای دوره کارشناسی موسیقی دانشگاه، با تحولاتی که از سال ۱۳۰۳ شمسی و با تشکیل مدرسه عالی موسیقی که به دست علینقی وزیری پایه‌گذاری شد، بیگانه و بی‌اعتنایند و با وجود آنکه در صفحه ۳ نوشته‌اید: «حرکت و تغییر لازمه هستی موجودات و نشانگر سیر تداوم هستی در صورتی‌های گوناگون آنست»، ولی در عمل و با توجه به برنامه موسیقی دانشگاه، با هرگونه تحول و نوآوری مخالفند و تحولات نیم قرن اخیر در زمینه تحولات موسیقی ایران را به کلی نادیده می‌انگارند و چنین بر می‌آید که نسیم حرکت و تغییر را احساس نکرده‌اند.

راه و رسم زندگی و خدمات آواخوانان و نوازندهای چون اقبال‌السلطان، درویش‌خان، نایب‌اسdale، عبدالله دوامی و خانواده آقا‌علی‌اکبر فراهانی را توصیه می‌کنند که البته توصیه بجایی است؛ اما از راه و رسم و حتی نام هنرمندان و موسیقیدانانی چون علینقی وزیری، روح‌الله خالقی، ابوالحسن صبا، و دهها و صدھا موسیقیدانی که پرورش یافته مکتب آن بزرگوارانند و امروز عهده‌دار اداره و اجرا و آموزش موسیقی این مرز و بومند، خبری نیست. عقل سليم و استدلال علمی و منطقی اجازه نمی‌دهد که توان اجرایی، آفرینندگی و فرهنگ علمی کسانی چون وزیری و صبا را با کسانی چون عبدالله دوامی و اقبال‌السلطان مقایسه کرد؟!

در صفحه ۴۸ و ۵۰، در درس شناخت موسیقی قدیم ایران، نغمه‌نگاری موسیقی ایرانی با حروف ابجد و سبک «جدید مخبر‌السلطنه هدایت به عنوان مبانی موسیقی قدیم ایران و اتصال آن به موسیقی جدید ارائه می‌شود. در صورتی که امروز با توجه به خط نت، نغمه‌نگاری با حروف ابجد، هیچ‌گونه ارزش علمی و اجرایی ندارد. دیگر زمان تکرار حرفها و حدیث‌های کهنه و باطل گذشته است. جزم اندیشی و تفکر سنگوارگی نمی‌تواند راهگشای آموزش موسیقی آنهم در سطح دانشگاه باشد. مقایسه حروف ابجد و خط نت

مقایسه گاری دستی و راکتور اتمی است.

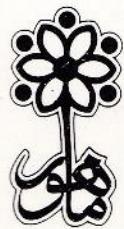
کشکول درویش

با بررسی و مطالعه جدول دروس دوره کارشناسی موسیقی دانشگاه به طور یقین می توان نظر داد که این برنامه نمی تواند مفید باشد. دروس بنیادین موسیقی مانند: - سلفر (۲ واحد)، تئوری موسیقی (۴ واحد)، هارمونی (۱ واحد)، کنترپوان (۱ واحد)، اصول آهنگسازی (۲ واحد) - کمترین سهم را در برنامه دارند. اما دروس فرعی و بعضی غیر لازم مانند: آشنایی با موسیقی شرق در تاریخ (۴ واحد)، مبانی ریاضی (۴ واحد)، مبانی فیزیک (۴ واحد)، تاریخ موسیقی از باروک تا امروز (۲ واحد)، کارگاه عکاسی (۲ واحد)، آشنایی با رشته های هنری معاصر (۲ واحد)، آشنایی با رسالات کهن موسیقی ایران (۴ واحد) و ... جدول چهارسال و نیم تحصیلی موسیقی را پر کرده است. دانشجویی که سلفر نداند و هارمونی و کنترپوان را به طور سرسری در یک ترم آموختن ببیند، نمی تواند با اصول آهنگسازی آشنا گردد، و مهمتر اینکه موسیقی کلاسیک غرب را نمی توان با موسیقی سنتی ایران مقایسه کرد.

چهارقرن تحول و دگرگونی از لحاظ فرم، محتوی، تکنیک و وسائل بیان، موسیقی کلاسیک را از موسیقی سنتی ایران متمایز می سازد. موسیقی سنتی ایران به دلایل تاریخی و اجتماعی نتوانست تکامل لازم را به دست آورد و فقط در نیم قرن اخیر تلاشها و کوشش هایی انجام شده است. دانشجوی رشته کارشناسی موسیقی دانشگاه در مدت چهارسال و نیم تحصیل و در حد اعلای خوب شنبی، عملاً می تواند با ردیف موسیقی ایرانی آشنا شود و حداقل تکنیک نوازنده را فراگیرد و معلوم نیست که چرا و با کدام نیاز دروسی را که هیچ گونه ارتباط با موسیقی سنتی ندارد، در متن برنامه گنجانیده اند. اصول علمی آموختن موسیقی کشکول درویشی نیست که همه چیز از غث و سمن در آن ریخته شود و دلمان خوش باشد که همه چیز در این کشکول حتی لغت هم یافتد می شود. این برنامه کدامیک از نیازهای حاد و مبرم آموختن و اجرای موسیقی در ایران را برطرف می سازد؟ در پایان تذکر یک نکته اساسی و مهم لازم به نظر می رسد که: کسانی که می توانند یک برنامه منظم علمی و جامع موسیقایی ارائه نمایند که خود در مسیر آموختن سیستماتیک موسیقی قرار گرفته باشند و دارای فرهنگ و بینش عمیق هنری باشند و نیازهای زمانه را درک کنند و به کار بندند.



مرکز موسیقی بتهوون شیراز



مؤسسه فرهنگی ماهور